

## باز هم سخنی در مورد انتخابات آنجا که آزادی نیست انتصابات جانشین انتخابات است

سی سال پیش هنگامیکه ستونهای استبداد سلطنتی در حال فرو ریختن بود دلباختگان آزادی به امید طلوع صبح آزادی بودند ولی دروغا که انتظار بر آورده نشد چون تازه به قدرت رسیدگان اندیشه های دیگر داشتند و آزادی را برای همگان نمی خواستند و به دموکراسی مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر باور نداشتند و این ناباوری به دموکراسی در انتخابات هم بعدها به شکل های گوناگون چون نظارت استصوابی و خودی و غیر خودی نمایان گشت. در این سه دهه بارها انتخابات انجام شده است ولی در نبود آزادی انتخاب چگونه معنی پیدا می کند؟

در آخرین ماه سال ۱۳۸۷ هستیم آهنگ سرکوب آزادیهای فردی و اجتماعی شتاب بیشتری برداشته و به گروههای مدنی و اجتماعی هزینه هایی سنگین تحمیل می شود. جمعیت های مدافع حقوق بشر در جهان هر روزه نقض آشکار حقوق بشر در ایران ندای اعتراض سر می دهند. جهان در آستانه تغییرات و تحولات نوینی است. اقتصاد جهانی دوران رکود و سقوط خود را طی می کند و اقتصاد ایران نیز خلاف آنچه دولتمردان می گویند نمی تواند مسیری دیگر داشته باشد.

تغییرات در آمریکا که در پی انتخابات ریاست جمهوری این کشور پدید آمده دوران انتظاری را برای دولت ایجاد کرده است. در روزهای که هنوز سیاستهای جدید آمریکا و اروپا رسماً اعلام نشده و جهان در انتظار چگونگی و اجرای سیاستهای جدید احتمالی است برابر گزارشهای داخلی و منابع خارجی حکومت ایران برای از صحنه خارج کردن دگر اندیشان با خشونت تمام اقدام می کند.

چهار ماه به انتخابات ریاست جمهوری در ایران مانده است صفحات اول روزنامه های داخلی همه روزه به خبرهایی در این مورد اختصاص می یابد و از حضور و یا عدم حضور این داوطلب و آن داوطلب خبری دارد. از ملت می خواهند در انتخابات شرکت نمایند اما مردمی که از آزادی بی بهره اند چگونه انتخاب کنند؟ در نبودن آزادی انتصاب جایگزین انتخاب می شود. انتخابات از ویژگیهای حکومتی متکی و باورمند به دموکراسی است؛ انتخابات دموکراتیک انتخاباتی است که در آن اراده مردم حاکم شود. هر نظامی نمی تواند مدعی انجام انتخابات دموکراتیک باشد. دموکراسی امروز با اصول مندرج در اعلامیه حقوق بشر عجین شده است و اگر جز این باشد انتخابات را نمی توان تجلی افکار عمومی مردم دانست. دموکراسی اگر فقط حکومت عدد باشد همان است که حکومتی فاشیستی و ایدئولوژیک داشته و دارند که نمونه آن انتخابات ریاست جمهوری در دوران صدام حسین دیکتاتور معدوم عراق است که نود و نه درصد آرا در تایید دیکتاتور است. از آنجا که معیار برخورد حکومت صدام با مردم عراق نه بر مبنای رعایت آزادی و حقوق بشر بلکه بر رابطه سلطه گری استوار بود جهان هیچگاه آن انتخابات را بیان کننده خواسته های مردم عراق ندانست. در تحلیل رابطه انتخابات با آزادی و دموکراسی

باور داشتن به اعلامیه حقوق بشر و ملحقات آن ملاک است. در ایران نظام جمهوری اسلامی استقرار دارد، حکومت دینی است و صاحب نظران حاکم بارها گفته اند حکومت های دینی پای بند جهان بینی و بیزه ای می باشند که با مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر نمی توانند هماهنگ باشد. حاکمیت در ایران تلاش می کند که ظواهر انتخابات متداول در جهان امروز رعایت شود. درسی سال اخیر در ایران بارها انتخابات برگزار شده است و در همه این سالها ناله و فریاد دگر اندیشان بلند بوده است که آزادی انتخابات وجود ندارد و بسیاری از مردم نمی توانند در انتخابات آزادانه شرکت کنند. در تعریفی که از حکومت دموکراسی می کنند، دموکراسی نوعی از حکومت است که همگان در برابر قوانین مساوی باشند و کسی از شرکت در انتخابات منع نشود و در شرایط آزاد که اکثریت عددی قدرت را به دست می گیرد باید حقوق اقلیت و اکثریت برابر باشد و اقلیت بتواند برای به قدرت رسیدن فعالیت کند و اکثریت حاکم نباید محدودیتی برایش ایجاد نماید و اگر چنین کند از اصول دموکراسی تخطی کرده است و صلاحیت اداره کارها را از دست می دهد. بمبارتی روشن تر آزادی در حکومت متکی به دموکراسی برای همه باید وجود داشته باشد.

اکنون ببینیم انتخابات در ایران چگونه بوده و چگونه در جریان است؟ و انتخابات پیش رو چه مرحله ای را طی کرده است؟ و در این گزینش صحنه چگونه آراسته شده است؟

می دانیم انتخابات در هر کشوری قوانین و مقررات خاصی دارد که نحوه حضور انتخاب کننده و انتخاب شونده را معلوم می کند. نخست باید قوانین کاملی تدوین شده باشد تا حقوق آزادی شرکت مردم در انتخابات را تضمین نماید. در ایران علاوه بر محدودیت های قانون انتخابات و اختیارات محدود کننده شورای نگهبان سالهاست که به عنوان نظارت استصوابی شورای نگهبان راه را بر بسیاری از داوطلبان انتخاب شدن بسته اند.

لازمه یک انتخابات آزاد وجود آزادیهای فردی و اجتماعی است. اگر انتخابات آزاد مورد نظر است باید آزادی تشکیل احزاب و انجمن های مدنی و صنفی و سندیکایی تامین گردد. آزادی بیان و قلم خود از مهمترین شرطهای یک انتخابات آزاد است که در ایران وجود ندارد. در ایران جز چند حزب و گروه وابسته به دولت که به خودیها مشهورند برای دیگران امکان بیان نظریات و یا تشکیل اجتماعات نیست. در سرزمینی که شرکت در مراسم یادبود مرحوم مهندس بازرگان جرم است و تعدادی از کسانی که به نزدیکی محل برگزاری رفته بودند تا در صورتیکه در حسینیه ارشاد باز باشد در مراسم حضور یابند بازداشت و مورد بازخواست قرار می گیرند چگونه می توان آنرا مملکتی آزاد پنداشت که مردم آن از آزادیهای فردی و اجتماعی برخوردارند؟

اگر مردم از آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر برخوردار نباشند چگونه می توان به آزادی انتخابات دل بست؟ علاوه

بر نبودن آزادی برای اکثریت ملت ایران گروهی را خودی می نامند. آنان که خودی هستند نیز از شرایط یکسان در رقابت با یکدیگر بهره مند نیستند. شرایط غیر منصفانه بر آنها حاکم است. کسیکه به احتمال زیاد تا امروز کاندیدای جناح اصولگرایی حاکمیت است با بودجه دولتی به سفرهای استانی و شهرستانی و روستایی می رود از امکانات رسانه های همگانی دولتی سود می برد و تازگیها کوشش می کند از خود چهره ای همراه با ملاحظت نشان دهد (خلاف آنچه در حدود چهار سال گذشته داشته است) به نحوه اجرای طرح امنیت اجتماعی که انواع مختلف از نیروهای انتظامی و سپاهی و بسیجی خیابانها و محله ها را به شکل شهری اشغال شده در آورده اند طی نامه ای معترض می شود به حدی که پس از انتشار این نامه فرمانده نیروی انتظامی به شگفتی دچار می شود چونکه اعضای رییس جمهور را در پای طرح می بیند. برای بعضی چهار سال قبل تداعی می شود که ایشان در سخنرانیهای انتخاباتی به شدت به محدود کنندگان آزادیهای جوانان در لباس و آرایش پر خاش کردند و آنرا راه حل مشکلات جوانان ندانستند، ولی آنجا بجز در جوانان در چهار سال گذشته حکایت از حل مشکل جوانان داشته است؟

در جناح دیگر نیز از دوکاندیدا سخن گفته می شود نخست کاندیدایی با برچسب اصلاح طلبی با هشت سال سابقه رییس جمهور بودن و در اولین حضور در خیابانها در ۲۲ بهمن ۸۷ مورد هجوم چماق به دستان قرار می گیرد و به زحمت از صحنه خارج می کند و فردای آن روز یک نشریه صبح تهران که خبرهایش بیشتر در باره آینده است و نکته مهم اینکه در بسیاری از موارد تحقق نیز می یابد سرنوشت خانم بی نظیر بوتو را برای او پیش بینی می کند. کاندیدای دیگر معروف به شیخ اصلاح طلبان که چندین سال بر کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی تکیه زده بود اوست که یکبار در انتخابات قبلی گفته بود: در چشم بهم زدن نتایج و تعداد آرا چیزی دیگر می شود ولی مجری بی چون و چرای احکام حکومتی است و می گوید از کاندیداتوری کنار نخواهد رفت. احتمال آمدن یکی دو داوطلب دیگر هم در هر دو جناح وجود دارد.

امروزه برای بسیاری از ناظران انتخاباتی روشن و قطعی است که چون گذشته ها فقط خودیها در انتخابات حق حضور دارند و اصولگرایان و اصلاح طلبان بازیگران این دوره از انتخابات ریاست جمهوری هستند و جناح های حاکمیت بدون اینکه بر اصل نظام خدشه ای وارد شود این سناریو را به آخر خواهند رساند.

در انتخاباتی که به نظر نمی رسد به غیر خودیها امکان حضور داده شود برخی به تصور خود راهی تازه یافته اند تا انتخابات را از این دایره بسته که سالها در آن گردش می کند بیرون کشند آنان می گویند هر چند حاکمیت اجازه کاندید شدن به دگر اندیشان نمی دهد باید شخصیتی که مقبولیتی در بین مردم دارد کاندید کرد و اگر صلاحیت